



## مستطیل سبز

سامورای‌ها؛ بازیکنان سرفراز

## معجزه‌ای به رنگ سلسائو



هیوستون بار دیگر صحنه نمایشی آشنا شد؛ جایی که ژاپن تاآستانه ثبت رکوردی تاریخی پیش رفت، اما در واپسین لحظات، بنای آرزوهایش فرو ریخت. سامورای‌ها طبق الگوی همیشگی، منظم و حساب‌شده آغاز کردند؛ با ۴۳ درصد مالکیت، اما کارایی بالا. از پنج شوت، سه ضربه در چارچوب بود و همان تک گل نیمه اول، برزیل را غافلگیر کرد. در سوی مقابل، سلسائو در ۴۵ دقیقه ابتدایی تنها دو شوت در چارچوب داشت و در کشودن گره دفاع فشرده ژاپن ناکام ماند.

با آغاز نیمه دوم، ورق کاملاً برگشت. شاگردان کارلوتچولوتی مالکیت را به ۶۱ درصد رساندند، ۱۴ شوت در ۶ در چارچوب) ثبت کردند و با ۹ بار حضور مؤثر در محوطه جریمه حریف، فشار را به اوج رساندند. بازی به کناره‌ها کشیده شد و همین مسأله به نقطه ضعف ژاپن بدل شد. گل تساوی در دقیقه ۷۲، حاصل همین فشار تدریجی بود و در نهایت، در دقیقه ۹۰+۵، گابریل مارتینلی با ضربه‌ای دقیق، تیر خلاص را شلیک کرد.

ژاپن بار دیگر سناریوی تلخ و تکراری خود را بازسازی کرد؛ تیمی که پیش می‌افتد، اما در حفظ برتری ناتوان می‌ماند. این سومین حذف متوالی آنها پس از گلزنی اول در جام‌های اخیر بود. درمقابل، برزیل با ثبت ۲.۱ امید گل در برابر ۰.۹ ژاپن، نشان داد این پیروزی نه تنها در نتیجه، بلکه در آثار نیز کاملاً شایسته بوده است؛ بردی به سبک «کارتسو» دیرنهام، اما قاطع.

دیوار برلین فرو ریخت

## تاریخ‌سازی به سبک پاراگوئه



این بار قاعده کهنه فوتبال وارونه شد؛ ۲۲ نفر دویند و در پایان، این‌المان بود که در ضربات پنالتی تسلیم شد. پاراگوئه با روایتی شگفت‌انگیز، یکی از بزرگ‌ترین نتایج تاریخ خود را رقم زد؛ تیمی که پس از شروعی نامیدکننده، اکنون با اقتدار در جمع مدعیان ایستاده است.

آلمان ناگلزمان با ۶۴ درصد مالکیت و ۱۵ شوت (۷ در چارچوب)، جریان بازی را در اختیار داشت، اما از کارایی لازم بی‌بهره بود. گل تماشایی هاورتز می‌توانست نقطه عطف باشد، اما ناهماهنگی‌های دفاعی او از دست رفتن یک موقعیت کلیدی توسط تاه، مسیر بازی را تغییر داد. در مقابل، پاراگوئه با تنها ۲۶ درصد مالکیت، اما با ساختاری فشرده و انتقال‌های سریع، ۹ شوت زد که چهار ضربه آن بود؛ پارچوب بود؛ آماری که از بهره‌وری بالاتر حکایت دارد. نقطه تمایز، درون دروازه رقم خورد؛ جایی که دروازه‌بان پاراگوئه با شش مهار حیاتی، امیدهای آلمان را یکی یکی خاموش کرد. آمار این دیدار نشان می‌دهد ژرمن‌ها روی کاغذ برتر بودند، اما فوتبال در میدان معنا می‌یابد. در نهایت، در ضربات پنالتی، تمرکز و جسارت پاراگوئه بر تجربه آلمان چربید. این صعود، تنها یک پیروزی نبود؛ پیامی‌های تاکتیکی از تیمی که کمتر مالک توپ بود، اما درک بهتری از بازی داشت.

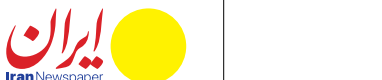
لاله‌های تازجی پرپر شدند

## غرش شیرهای اطلسی



هلند بار دیگر تا مرز بقا پیش رفت، اما این‌بار شیرهای اطلس بودند که از دل جنون موتزری، سرریلند بیرون آمدند. لاله‌ها با آرایش ۳-۰ و مالکیت ۵۸ درصدی، ریتم بازی را در دست داشتند و با ۱۳ شوت (۵ در چارچوب)، بارها دروازه مراکش را تهدید کردند. گل خاکپو، پاداش این برتری نسبی بود؛ برتری‌ای که هرگز به اطمینان تبدیل نشد.

مراکش تحت هدایت وهبی، همچون سال‌های اخیر، با بلوک دفاعی فشرده و انتقال‌های برق‌آسا بازی کرد. آنها با ۴۲ درصد مالکیت، ۱۰ شوت زدند که چهار ضربه آن در چارچوب بود و با امید گل نزدیک به ۱.۲، کارآمدی بیشتری در بهره‌برداری از موقعیت‌ها نشان دادند. فشار تدریجی در نیمه دوم، سرانجام به گل تساوی منجر شد و بازی را به وقت‌های اضافه و سپس ضربات پنالتی کشاند. نقطه عطف، بار دیگر درون دروازه رقم خورد؛ فرربوخن با پنج مهار، هلند را در بازی نگه داشت، اما در ضربات پنالتی، همین نقطه قوت به پاشنه آشیل تبدیل شد. مراکش با تمرکز و دقت، تمامی ضربات خود را به گل بدل کرد، در حالی که نزدیک در اجزای پنالتی‌های هلند، سرزوشت بازی را رقم زد.
این پیروزی، ادامه تثبیت هویت تازه مراکش است؛ تیمی که شاید کمتر توپ در اختیار داشته باشد، اما لحظه‌ها را بهتر مدیریت می‌کند. هلند بار دیگر بدون شکست حذف شد؛ تازده‌ای تکراری، این‌بار در جامه‌ای نو.



«ایران» فرهنگ مسئولیت‌پذیری مربیان و بازیکنان در جام جهانی ۲۰۲۶ را بررسی می‌کند

# شکست بدون صاحب نیست

**سینا حسینی /** شکست در فوتبال، فقط یک عدد روی اسکرینورود نیست؛ یک موقعیت اجتماعی است. جام جهانی ۲۰۲۶ این واقعیت را بار دیگر یادآوری کرد که تیم‌ها نه فقط در زمین بازی، بلکه در «نحوه مواجهه با شکست» نیزآرزایی می‌شوند؛ جایی که مسئولیت‌پذیری، به اندازه تاکتیک، تعیین‌کننده است.

در این دوره، واکنش‌ها طیفی از کناره‌گیری تا ایستادن و پاسخ دادن را در بر گرفت. در اسکاتلند، استیو کلارک پس از حذف تیمش، بدون تعلل کنار رفت؛ تصمیمی که به‌وضوح نشان می‌داد معیارهای موفقیت از پیش تعریف شده‌اند و نرسیدن به آنها، تبعات دارد. در کره‌جنوبی، هونگ میونگ‌بو علاوه بر استعفا، در یک موضع‌گیری صریح از هواداران عذرخواهی کرد و مسئولیت را برعهده گرفت؛ رفتاری که با فشار رسانه‌ای و حتی انتقادات مسئولان اجرایی کره‌جنوبی نیز همراه بود، اما در نهایت به بازسازی اعتماد کمک کرد.

در جمهوری چک، میروسلاو کوپک پس از حذف زودهنگام و کسب نتایج ضعیف، از «اشتباهات

بهروز رهبری فر، مدافع پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

# عذرخواهی باعث کوچک شدن ستاره‌هایی شود



عکس: www.iffb.com

**پرسا غفاری /** حذف تیم‌های ایران، کره‌جنوبی، عربستان و آلمان

از جام جهانی، یک نقطه مشترک داشت؛ ناکامی در رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده. اما آنچه فوتبال این کشورها را از یکدیگر متمایز کرد، نوع واکنش مدیران و مربیان‌شان پس از این حذف از جام جهانی بود. در کره‌جنوبی نیزهونگ میونگ‌بو در برابر رسانه‌ها تعظیم کرد، مسئولیت ناکامی را پذیرفت و استعفا داد.

در عربستان، یاسر المسحل با عذرخواهی از مردم، از سمت خود

## مسئولیت‌پذیری؛ بخشی از فلسفه فوتبال

## یادداشت

### مجیدجلالی

کارشناس فوتبال



در فوتبال حرفه‌ای، «پاسخگویی» مفهومی فراتر از یک واکنش احساسی پس از شکست است؛ این‌واژه، ستون اصلی حکمرازی ورزشی مدرن به‌شمار می‌رود. جایی‌که موفقیت‌ها سرمایه اجتماعی می‌سازند و ناکامی‌ها، بلافاصله به مطالبه‌ای عمومی برای شفافیت و اصلاح تبدیل می‌شوند. در چنین چارچوبی، مسئولیت‌پذیری نه یک انتخاب، بلکه بخشی از DNA و فلسفه فوتبال است.

ساختاری و فردی» سخن گفت و کناره‌گیری کرد. این اعتراف، هرچند پس از ناکامی، اما بخشی از فرآیند پاسخگویی بود. در تیم ملی هلند نیز رونالد کومان پس از باخت از مراکش با قبول مسئولیت شکست تیمش استعفا داد. در آلمان، یولیان ناگلزمان رویکرد متفاوتی را برگزید. او پس از حذف، با پذیرش ضعف‌های تیم، اعلام کرد که «مسئولیت با من است» و در عین حال تأکید کرد از چالش فرار نمی‌کند. این نوع مواجهه، مدلی از پاسخگویی درون‌ساختاری است؛ مانند برای اصلاح، نه برای انکار.

در ژاپن نیز، واکنش‌ها در چارچوب فرهنگ سازمان‌یافته فوتبال این کشور قابل تحلیل است. کادر فنی با ادبیاتی محتاط اما روشن، از «نیاز به بازنگری در چرخه آماده‌سازی» سخن گفت و وعده اصلاحات تدریجی داد. این رویکرد، بر خلاف واکنش‌های احساسی، بر برنامه‌ریزی و استمرار تأکید دارد؛ همان چیزی که طی سال‌های اخیر، ژاپن را به یکی از منتظم‌ترین کشورها در زمینه ساختارهای فوتبالی آسیا تبدیل کرده است.

در مقابل، زمانی‌که شکست به «بدشانسی»

تقلیل داده می‌شود، در واقع یک حلقه مهم از این سازوکار حذف می‌شود. چنین روایتی، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت فشار را کاهش دهد، اما در بلندمدت، شکاف میان تیم و افکار عمومی را عمیق‌تر می‌کند. فوتبال، به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، بدون اعتماد پایدار نمی‌ماند.

در این میان، نقش بازیکنان یا به‌سن گذاشته نیزاهمیت ویژه‌ای دارد. در بسیاری از نمونه‌های موفق، بازیکنان با تجربه پیش از آنکه با فشار افکار عمومی یا تصمیمات مدیریتی کنار گذاشته شوند، خود به‌صورت داوطلبانه از تیم ملی خداحافظی می‌کنند. این تصمیم، نه نشانه افول، بلکه نمادی از بلوغ حرفه‌ای و درک شرایط است. در فوتبال اروپا و آمریکای جنوبی، بارها دیده شده که کاپیتان‌ها یا ستاره‌های باسابقه، پس از یک توژمننت ناموفق، با انتشار بیانیه‌ای محترمانه، میدان را برای نسل بعدی خالی می‌کنند. چنین کناره‌گیری‌هایی، دو کارکرد مهم دارد؛ اول، کاهش فشار روانی بر تیم و کادر فنی و دوم، ایجاد فضای مثبت برای آغاز یک چرخه جدید. این‌همان نقطه‌ای است که «احترام به افکار عمومی» به

رهبری‌فر در گفت‌وگو با «ایران»، با‌تقناد از عملکرد تیم‌ملی می‌گوید: «فرهنگ پذیرش اشتباه و مسئولیت اجتماعی در تیم‌های ورزشی ما بویژه فوتبالی‌ها آن قدر ضعیف است‌که عذرخواهی را نوعی کوچک‌شدن می‌دانند؛ در حالی‌که هرانسانی با پذیرش اشتباه خود، بزرگ‌تر می‌شود. به نظر من، فوتبال ما سال‌هاست به مردم ایران یک عذرخواهی بدهکار است.» او در ادامه توضیح می‌دهد: «متأسفانه در فوتبال ایران تعریف و تمجید از عملکردها بسیار زیاد است و در مقابل، بسیاری از انتقادها با جرسب غرض‌وری مواجه می‌شوند. اگر ما مدعی هستیم که بهترین تیم آسیا هستیم، چرا در آسان‌ترین قرعه جام جهانی نتوانستیم صعود کنیم؟ فوتبال ما تصور می‌کند که مسای‌ی کردن با بلژیک و مصریک دستاورد بزرگ است، در حالی‌که بلژئیک ۲۰۲۶ در ضعیف‌ترین وضعیت خود در مسابقات حاضر شده بود. اکنون کادر فنی و مدیران فوتبال مدعی‌اند‌که بدون باخت جام را ترک کرده‌اند یا بهترین تیم تاریخ ایران هستند! این در حالی است که جام جهانی ۲۰۲۶ در پایین‌ترین سطح تمام‌لوار خود برگزار می‌شود. اگر تیم ۱۹۹۸ ایران در این دوره حضور داشت، به شما قول می‌دهم تا مرحله یک‌چهارم نهایی هم صعود می‌کرد.» مدافع پیشین تیم ملی همچنین تیم ملی، شاهد پاسخگویی مدیران فدراسیون و اعضای کادرفنی و خداحافظی بازیکنان یا به‌سن گذاشته تیم ملی فوتبال ایران باشیم، او در ادامه می‌گوید: «من منکر شایستگی‌های تیم ملی نیستم؛ ما بهترین نفرات را در پست‌های مختلف داشتیم. اما برنامه‌ریزی ضعیف و فضای پر از گلابه و ناراضیاتی از سوی کادر فنی و مدیران، باعث شد بازیکنان دچار به‌هم‌ریختگی شوند. به یاد دارم در سال ۲۰۰۰، تیم ملی به لبنان رفت و ما را در خیابان‌های بیروت چرخاندند و درست‌زمانی‌که داوران برای آغاز بازی به زمین می‌رفتند، به استادیوم رسیدیم. اما بازیکنان

هرانسانی با پذیرش اشتباه خود بزرگ‌تر می‌شود. به نظر من فوتبال ما سال‌هاست به مردم ایران یک عذرخواهی بدهکار است



یک کنش عملی تبدیل می‌شود، نه صرفاً یک شعار.

در فضایی‌که پس از حذف، جامعه فوتبالی با ناامیدی و دلخوری مواجه است، این‌گونه تصمیم‌های داوطلبانه می‌تواند به تلطیف فضا کمک کند. خروج محترمانه، در بسیاری از موارد، حتی بیش از یک پیروزی، به بازسازی اعتماد کمک کرده است.

جام جهانی ۲۰۲۶ یک پیام روشن داشت؛ تیم‌ها نه فقط با نتایج، بلکه با «نحوه مواجهه با نتایج» قضاوت می‌شوند. فاصله میان فوتبال پاسخگو و فوتبال توجیه‌گر، فاصله‌ای است میان حرفه‌ای‌گری و فرار از مسئولیت. اگر قرار است بازسازی واقعی اتفاق بیفتد، باید از همین نقطه آغاز شود؛ پذیرش صریح، عذرخواهی مسئولانه و تصمیم‌های شجاعانه حتی اگر به معنای کنار رفتن باشد. در فوتبال همان‌قدر که گل زدن اهمیت دارد، «پاسخ دادن» هم اهمیت دارد. تیمی‌که این مهارت را نیاموزد، حتی با بهترین تاکتیک‌ها نیز در زمین اعتماد، بازنده خواهد بود.

با اتحاد و همدلی بازی کردند و چهار گل هم به لبنان زدند؛ چراکه کادر فنی و مدیران، تیم را از حاشیه دور نگه داشته و از نظروچی در شرایط خوبی قرار داده بودند. بنابراین اکنون که از جام جهانی حذف شده‌ایم، باید از مردم عذرخواهی کنیم؛ از هوادارانی که ورزشگاه را پر کردند و ۹۰ میلیون ایرانی که پای تلویزیون نشستند تا صعود تیم را ببینند. باید به همه افراد مرتبط با تیم ملی گفت عذرخواهی شما را کوچک نمی‌کند.» رهبری‌فر در بخش دیگری از صحبت‌های خود، مشکل عدم پذیرش مسئولیت را به کل ساختار فوتبال ایران تعمیم می‌دهد: «در باشگاه‌های ایران هم پذیرش مسئولیت دیده نمی‌شود. مدیران باشگاه‌ها به‌خاطر نتیجه‌گرایی، به بازیکنان قدیمی اعتماد می‌کنند و حتی حاضر نیستند یک استعداد شهورستانی را به فهرست تیم اضافه کنند. رفتار بزرگ‌ترهای تیم هم به‌گونه‌ای است که جوانان دیگر از آنها آموزش نمی‌بینند. مشکل اینجاست که دیگر اساتیدی در سطح فنی و شخصیتی مانند زنده یاد منصور پورحیدری، زنده یاد پرویز بوطالب و زنده یاد پرویز دهداری نداریم تا مفاهیمی مانند جوانمردی و بازی جوانمردانه را به تیم‌ها آموزش دهند. این ضعف از باشگاه‌ها به تیم ملی منتقل می‌شود و در نهایت، بازیکن به خود اجازه می‌دهد ناکامی را به‌گردن عوامل بیرونی بپندازد، بدون آن‌که خود را مقصر بداند.» وی در پایان، درباره دلیل خداحافظی نکردن بازیکنان با تجربه می‌گوید: «وقتی در هر پست جایگزین مناسبی وجود ندارد و استعدادها به‌خوبی پرورش داده نشده‌اند، بازیکنان مطرح این اجازه را به خود می‌دهند که هم قراردادهای میلیاردری ببندند و هم بگویند چهار سال دیگر هم در جام جهانی حضور خواهند داشت. اگر بازیکنانی مانند من،یحیی گل محمدی و فرهاد مجیدی در ۲۸ سالگی خداحافظی کردند، به این دلیل بود که پشت سر ما بازیکنانی خلاق و حتی بهتر وجود داشتند. امروز واقعاً جایگزین مناسبی نداریم و شاید اگر من هم جای امیر قلعه‌نویی بودم، از همین ترکیب استفاده می‌کردم.»

بدون در نظر گرفتن بستر اجرایی آن، خود بخشی از مسئولیت است. وعده‌های بزرگ بدون پشتوانه عملیاتی، تنها شکاف میان تیم و افکار عمومی را عمیق‌تر می‌کند.

باید پذیرفت که فوتبال ایران در سال‌های اخیر با محدودیت‌های ساختاری جدی مواجه بوده است. عدم حضور طولانی مدت در المپیک، ناکامی در فتح جام ملت‌ها و افت محسوس در سطح باشگاهی آسیا، نشانه‌هایی روشن از این روند هستند. این واقعیت‌ها نباید بهانه‌ای برای تقلیل سطح انتظارات یا عادی‌سازی ناکامی باشند.

نکته مهم آن است که نقد ساختار، به معنای نادیده گرفتن تلاش بازیکنان نیست. بالمکس، احترام به پیراهن تیم ملی و نسل‌های مختلف

بازیکنان ایجاب می‌کند که ناکامی‌ها پشت لایه‌های احساسی پنهان نشوند. بازیکن ایرانی، بارها نشان داده که می‌تواند فراتر از کیفیت ساختاری فوتبال کشور ظاهر شود؛ می‌دود، می‌چنگد و می‌سازد. اما فوتبال، یک سیستم به‌هم‌پیوسته است؛ از مدیریت کلان و برنامه‌ریزی استراتژیک گرفته تا آموزش پایه، لیگ حرفه‌ای، باشگاه‌داری و نظام ارزیابی. تا زمانی‌که این زنجیره به‌درستی کار نکند، خروجی نیز تغییر نخواهد کرد. نتیجه، همان سناریوی تکراری است: حذف، حسرت و بازتولید توجیه. فوتبال ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازتعریف مفهوم مسئولیت‌پذیری است؛ جایی‌که شکست، آغاز اصلاح باشد نه نقطه پایان تحلیل.

	<b>مرحله یک شانزدهم</b> <b>نهایی</b>
	<b>Round of 32</b> FIFA World Cup 2026 (Canada - Mexico - USA)
	<b>آمریکا</b>
	<b>پنجشنبه ۱۱ تیر</b> ساعت ۲۰:۳۰ پامداد
	<b>بوسنی</b>

### میزبان پشت دیوار بوسنی

دیدار آمریکا و بوسنی در مرحله یک‌شانزدهم، تقابل دو سبک متفاوت است؛ تیمی مبتنی بر سرعت، پرس شدید و انتقال سریع در برابر ساختاری منظم، فیزیکی و متکی بر بازی مستقیم. آمریکا در مرحله گروهی با میانگین مالکیت ۵۴ درصد و ثبت ۱.۸ گل در هر بازی، نشان داد که در فاز تهاجمی تنوع بالایی دارد. استفاده از وینگرهای سرعتی و قول‌بک‌های پیش‌رونده، این تیم را در ایجاد موقعیت‌های عرضی و نفوذ از کناره‌ها خطرناک کرده است.

در آن سوی میدان، بوسنی با میانگین مالکیت کمتر (۴۶ درصد) اما کارایی دفاعی بالا، تنها ۰.۸ گل در هر بازی دریافت کرده و یکی از منسجم‌ترین خطوط دفاعی تورنمنت را به نمایش گذاشته است. اتکای این تیم به ارسال‌های بلند، ضربات ایستگاهی و استفاده از قدرت فیزیکی مهاجمان، برگ برنده آنها در فاز هجومی بوده است. کلید بازی، نبرد در میانه میدان خواهد بود؛ جایی که آمریکا تلاش می‌کند با پرسینگ، جریان بازی را کنترل کند و بوسنی به دنبال شکستن این ریتم با بازی مستقیم است. اگر آمریکا بتواند از فشردگی دفاعی حریف عبور کند، شانس بیشتری خواهد داشت؛ اما در صورت کشیده شدن بازی به نبردهای هوایی و فیزیکی، کفه ترازو به سمت بوسنی سنگینی خواهد کرد.

	<b>مرحله یک شانزدهم</b> <b>نهایی</b>
	<b>Round of 32</b> FIFA World Cup 2026 (Canada - Mexico - USA)
	<b>بلژیک</b>
	<b>چهارشنبه ۱۰ تیر</b> ساعت ۲۰:۳۰
	<b>سنگال</b>

### دوئل تاکتیکی تمام عیار

تقابل بلژیک و سنگال در مرحله یک‌شانزدهم، جدالی است میان ساختار اروپایی و انرژزی آفریقایی؛ مسابقه‌ای که می‌تواند به یکی از پیچیده‌ترین نبردهای تاکتیکی این مرحله تبدیل شود. بلژیک در مرحله گروهی با میانگین مالکیت بالا و دقت پاس قابل توجه، نشان داد همچنان بر پایه گردش توپ و کنترل ریتم بازی پیش می‌رود. شاگردان این تیم با ثبت میانگین بیش از ۵۵ درصد مالکیت و خلق موقعیت از کناره‌ها، بویژه در فاز حمله سازمان‌یافته خطرناک ظاهر شدند، هرچند در انتقال دفاع به حمله گاه کند بودند. در سوی مقابل، سنگال تیمی است که بر سرعت، قدرت بدنی و بازی مستقیم تکیه دارد. آنها در مرحله گروهی با میانگین دوندگی بالا و استفاده از ضد حملات سریع، بارها خطوط دفاعی دیگر را غافلگیر کردند. نرخ موفقیت در دوئل‌های فردی و بازی هوایی، یکی از نقاط قوت و کلیدی این تیم بوده است.

گره بازی در میانه میدان شکل می‌گیرد؛ جایی‌که بلژیک به دنبال دیکته کردن بازی و سنگال در پی برهم زدن ریتم حریف است. اگر بلژیک بتواند از فشار اولیه سنگال عبور کند، شانس بیشتری برای کنترل مسابقه خواهد داشت. اما هراشتباه در فاز دفاعی می‌تواند به ضد حملات مرگبار سنگالی‌ها منجر شود. این دیدار، آزمونی برای تعادل میان نظم و هيجان است.

	<b>مرحله یک شانزدهم</b> <b>نهایی</b>
	<b>Round of 32</b> FIFA World Cup 2026 (Canada - Mexico - USA)
	<b>انگلیس</b>
	<b>چهارشنبه ۱۰ تیر</b> ساعت ۱۹:۳۰
	<b>کنگو</b>

### سه شیرها مقابل رعد آفریقا

تقابل انگلیس و کنگو در مرحله یک‌شانزدهم، بیش از آنکه یک بازی معمولی حریفی باشد، جدال دو فلسفه متفاوت فوتبال است؛ تیمی با ساختار منظم اروپایی در برابر نماینده‌ای از فوتبال آفریقا که بر قدرت بدنی و انتقال‌های سریع تکیه دارد.

انگلیس در مرحله گروهی با میانگین مالکیت بالای ۵۸ درصد و دقت پاس نزدیک به ۸۸ درصد، نشان داد که همچنان بر پایه کنترل بازی و گردش توپ عمل می‌کند. شاگردان این تیم در فاز تهاجمی نیز با میانگین ۱۴ شوت در هر بازی، خطرناک ظاهر شدند، هرچند گاهی در تبدیل موقعیت به گل دچار نوسان بودند. در مقابل، کنگو با مالکیت کمتر (حدود ۴۴ درصد) اما با اتکا به ضد حملات سریع و دوندگی بالا، موفق شد حریفانش را غافلگیر کند. این تیم به‌طور میانگین در هر بازی ۵ موقعیت جدی خلق کرده که نشان از بهره‌وری بالای حملات مستقیم دارد.

نقطه کلیدی این دیدار، نبرد میانه میدان خواهد بود؛ جایی‌که انگلیس تلاش می‌کند ریتم بازی را کنترل کند و کنگو به دنبال برهم زدن ساختار حریف است. اگر انگلیس بتواند از فشردگی دفاعی کنگو عبور کند، شانس بالاتری برای صعود خواهد داشت، اما هراشتباه در خط دفاع می‌تواند به بهای حذف تمام شود.